

## الگوی ساماندهی حاشیه شهر کرمان

امان‌الله جمشیدی<sup>۱</sup>، کمال جوانمرد<sup>۲</sup>، مهرداد نوابخش<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگو پارادایمی ساماندهی حاشیه شهر کرمان انجام شد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی از لحاظ روش کیفی از نوع گراند تئوری (اشتراوس و کوربین) است. جامعه هدف در این مطالعه مسئولان ساماندهی حاشیه شهر کرمان بود که با حجم نمونه ۱۸ نفر اشباع مفهومی حاصل شد. روش نمونه‌گیری هدفمند و ابزار تحقیق در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. پایانی با روش توافق درون موضوعی ۰/۷۸ به دست آمد و روائی صوری متن مصاحبه توسط خبرگان تأیید شد. یافته‌های به دست آمده شامل ۵۶ مقوله در کدگذاری باز و ۴۵ مقوله کدگذاری محوری و ۵ مقوله کدگذاری گزینشی است. نتایج نشان داد که شیوه ساماندهی حاشیه شهر در حال حاضر شامل تخریب؛ تخلیه؛ بهسازی (کند و محدود به اقدامات ناکافی) اجرا شده است؛ ولی این اقدامات نتوانسته کارساز باشد. راهبردهای ساماندهی حاشیه شهر که توسط خبرگان پیشنهاد داده شد شامل اجرای طرح کمربند سبز شهر کرمان؛ از بین رفتن تعارض منافع ارگان‌ها؛ بهسازی همراه با توانمندسازی و مشارکت افراد حاشیه؛ استفاده از کارشناسان در اجرای طرح‌ها؛ مشخص شدن قوانین ساماندهی و لازم اجرا شدن آن‌ها؛ قرار دادن ملک به شرط تملک است.

**واژگان کلیدی:** ساماندهی حاشیه شهر، حاشیه‌نشینی، کمربند سبز، تعارض منافع.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
jamshidiamanallah@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
javanmardkamal@yahoo.com

<sup>۳</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
mehrddad\_navabakhsh@yahoo.com

جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان از همان ابتدای پیدایش و گسترش شهرهای صنعتی در قرن ۱۹ شهر را به‌عنوان پدیده‌ای همراه با پیامدهای مثبت و منفی برای جامعه بشری در نظر گرفته و آن را محور مطالعاتی خود قرار داده‌اند. بعد از انقلاب صنعتی هم‌زمان با توسعه شهرهای انگلستان و سپس سایر شهرهای اروپایی، حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی فزونی گرفت. گفتمان حاشیه‌نشینی<sup>۱</sup> به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ با مهاجرت‌های شدید روستاییان به شهرها یکی از مباحث دانشگاهی و تحقیقاتی کشورها شد (نقدی و همکاران، ۲۴۹: ۱۴۰۰) یکی از چالش‌های بزرگ جهان رویارویی با حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و پدیده‌هایی که در حاشیه شهرها شکل گرفته است؛ به وجود آمد. دفتر برنامه‌ریزی اسکان بشر سازمان ملل متحد در دهه اول قرن بیست‌ویکم یعنی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی، رشد ۲۲۷ میلیون حاشیه‌نشین در کشورهای مستعد این پدیده را پیش‌بینی کرده بود. طبق آخرین اطلاعات سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین منطقه فقیرنشین جهان در هندوستان و در شهر بمبئی قرار دارد. در لیست کشورهای دارای مناطق فقیرنشین، کشورهای ثروتمندی مثل ایالات‌متحده، استرالیا، اسپانیا، ترکیه و حتی انگلستان نیز وجود دارد (ملیک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۴۴).

پدیده حاشیه‌نشینی نه‌تنها در جهان در حال گسترش است؛ بلکه ایران نیز با چالش ۱۸ میلیون حاشیه‌نشین مواجه است. با در نظر گرفتن اینکه حدود ۵۵ میلیون نفر از جمعیت ایران شهرنشین هستند؛ بنابراین، با یک محاسبه ساده مشخص می‌شود که تقریباً یک‌سوم شهروندان ایرانی حاشیه‌نشین هستند (لحمیان و نبی زاده، ۱۳۹۸، ۱۲۲).

باید در نظر داشت که پویایی جوامع کنونی و ساختارهای جدید قومی، تجدید ساختارهای دولتی؛ نوع و شکل حاشیه شهری را تغییر داده است. بحث از حاشیه‌ها، زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی لزوماً شامل تحلیل فرآیندی که در آن حاشیه‌ها در رابطه با هسته یا جریان اصلی تولید می‌شوند، نیست. (معدنی و محمدپناه، ۱۳۹۹: ۱۵۸). بلکه نیاز

<sup>۱</sup> Marginalization

<sup>۲</sup> Malik

به دیدگاهی همه‌جانبه دارد چرا که دنیای ما به طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر شده که قطبی شدن جوامع بر این پیچیدگی افزوده است. حاشیه‌نشینی تحت تأثیر پارامترهایی همچون فقر اقتصادی، عدم تخصص، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی و فرهنگی، غیرقابل کنترل می‌شود در نتیجه عوارض این پدیده به حوزه شهری و ملی نیز گسترش می‌یابد. در بحث مربوط به حاشیه شهرها فقط حاشیه‌نشینان نیستند که مشکل‌آفرین هستند و احتیاج به ساماندهی دارند؛ بلکه در کنار حاشیه‌نشینی و در اطراف شهرها پدیده زاغه‌نشینی<sup>۱</sup> هم وجود دارد. معمولاً در مناطقی که پایین‌ترین حد امکانات (حتی کمتر از مناطق حاشیه‌نشین) را دارد اطلاق می‌شود. هاروی<sup>۲</sup> معتقد است که این محلات آخرین چاره بازماندگان است در تلاش برای به دست آوردن مزایای شهری، هستند. این محلات از نظر مدرسه، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر، خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به طور دسته‌جمعی فراهم می‌شود نیز بازمانده‌اند (معدنی و محمدپناه، ۱۳۹۹:۱۵۸).

حاشیه‌نشینان شهری، معمولاً در همه ابعاد مختلف زندگی (بعد فیزیکی مسکن‌های نابهنجار، بعد اجتماعی فرهنگ‌ها و رفتارهای متفاوت از جامعه شهری، اقتصادی میزان درآمد و نوع اشتغال و...) جزء محروم‌ترین قشرهای جامعه شهری به شمار می‌روند و به علت این محرومیت‌های شدید در برابر هرگونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع هستند (کیالی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳، ۱۳۱۴).

در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی تحلیل غالب این بود که آن را به‌عنوان مظهر بی‌عدالتی‌ها و پدیده‌ای غیرقابل حذف از نظام سرمایه‌داری معرفی می‌کردند. اندیشمندان مارکسیستی معتقد بودند که پدیده حاشیه‌نشینی تا سرنگونی نظام سرمایه‌داری در جهان باقی خواهد ماند. هم‌زمان با این تفکرات، اندیشه‌های رجویان رفاه‌طلبانه در راستای پذیرش نظام سرمایه‌داری، چاره‌اندیشه‌هایی برای مهار حاشیه‌نشینی ارائه کردند. راه‌حلی‌هایی مانند ارائه و ساخت مسکن برای تهیدستان تحت

<sup>1</sup> Slum

<sup>2</sup> Harvi

<sup>3</sup> Qianli Zhou, Ye Cui, Zhen Li & Yong Deng

عنوان مسکن اجتماعی یا استقرار نظام حداقل‌های معیشتی بیان کردند (امیری و خدائی، ۱۳۹۰: ۱۸). حاشیه شهرها دیگر از شکل حاشیه‌نشین صرف خارج شده و دامنه‌ای گسترده از پیامدها را به همراه دارد. مهم‌ترین پیامدهایی که حاشیه‌نشین دارد می‌توان بر اساس ماهیت، چند بخش دسته‌بندی کرد. پیامدهای اجتماعی - فرهنگی؛ پیامدهای سیاسی - امنیتی؛ پیامدهای فضایی - کالبدی و نهایتاً پیامدهای اقتصادی حاشیه‌نشین، در شهرهای بزرگ، کشورهای کم‌توسعه اشکال گوناگونی دارد اما ماهیت آن یک چیز است و آن عبارت است از عدم جذب و ادغام جمعیت حاشیه‌نشین شهری در بافت اقتصادی، اجتماعی و خدماتی زندگی شهری معمولی و نسبتاً مطلوب است (حسین زاده یزدی و یعقوبی، ۱۳۹۹: ۵۶).

کرمان یکی از ۱۱ استان ایران است که درگیر مسئله مشکلات در زمینه حاشیه شهر شامل حاشیه‌نشین، زاغه‌نشین، اسکان خودرویی شده است. در شهرستان کرمان هزار و ۳۰۰ هکتار حوزه حاشیه‌نشین شهر کرمان است که نزدیک به ۵۰ هزار نفر جمعیت در خود جای داده است. از مهم‌ترین عامل ایجاد و گسترش این محلات در شهر کرمان، مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی - شهری، زلزله بم در سال ۱۳۸۱ و زلزله زرنند و کوهبنان، خشک‌سالی‌های دو دهه اخیر در جنوب، وجود مهاجران افغان‌ها، است که در نهایت موجب حاکم شدن فرهنگ فقر در این محلات و به تبع آن بروز انواع ناهنجاری‌های شهری مثل اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل کاذب و انحرافات اجتماعی، ناامنی، بزهکاری، خشونت، روسپی‌گری شده است. سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده نشان می‌دهد که مکانیسم‌ها و فرایندها در عمل چندان موفق نبوده‌اند و خروجی سیاست‌ها و برنامه‌ها در بستر زمان منجر به کنترل حاشیه‌نشین نشده است و مشارکت فعال ساکنان محلات حاشیه‌نشین در عمل برای مدیریت مناطق حاشیه‌نشین محقق نشده است.

جامعه‌شناسان شهری به غیر از عوامل محیطی و اکولوژیکی عوامل دیگری را شناسایی کرده‌اند که می‌تواند به شکل‌گیری حاشیه شهرها دامن بزند. مواردی مانند تغییر کاربری زمین‌ها، به وجود آمدن نخبگان جهانی و منطقه‌ای، شکل‌گیری مناطق اعیان‌نشین

در مرکز شهر و مجموعه عوامل مختلفی که شاید نپرداختن به آن‌ها باعث ناکارآمدی سیاست‌های مبارزه با حاشیه شهرها گردیده است (فیالکوف<sup>۱</sup>، ۱۴۰۰: ۹۸).

به‌طورکلی اگر بخواهیم به نحوه ساماندهی حاشیه‌ها توجه کنیم باید به تفکرات نظری که در پس‌زمینه این اقدامات وجود دارد توجه نمود. به‌عنوان مثال اندیشمندان بوم‌شناسی اساساً پدیده مورد مطالعه را تا حد بررسی یک عارضه یا مسئله شهری تقلیل می‌دهند و ضمن طبیعی قلمداد کردن آن، در صدد انتساب پدیده بر جبری مکانی یا طبیعی و یا حداکثر کارکرد غلط و ناقص مدیریت و برنامه‌ریزی شهری برمی‌آیند و در تحلیل نهایی آن‌ها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، جمع‌آوری یا پاک‌سازی می‌دانند (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۵). مبنای تحلیل در مکتب بوم‌شناختی این است که زندگی شهری در حال تغییر و تحول دائمی است فرایندهایی چون ساخت و باز ساخت، توالی و اقامت مختلف و تسلسل آن، اختصاص مجدد فضا و زمین به فعالیت‌های صنعتی و تجاری و سایر فعالیت‌ها و نیز فرایندهای به حاشیه رانده شدن و فقر تحت تأثیر مکانیسم‌های بازار و سازمان‌یابی فضایی، همواره در شهر جریان دارد و بر این اساس شهر همواره در پویایی دائمی سیر می‌کند (امیری و خدائی، ۱۳۹۹: ۱۶۸). این اندیشمندان در طرح ساماندهی نادیده‌انگاری و پاک‌سازی این مناطق را پیشنهاد می‌دهند.

تفکرات لیبرالی، پذیرش اسکان غیررسمی به‌عنوان واقعیت شهری در دنیای معاصر به‌ویژه جهان سوم و شهرنشینی شتابان و ناهمگون آن می‌دانند. در این دیدگاه اسکان غیررسمی به‌مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای در حال توسعه تلقی شده است و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، این نوع اسکان به‌عنوان ضرورتی در فرآیند این تحول قلمداد می‌شود.

تفکرات رادیکال، حاشیه شهرها را عامل آسیب‌های اجتماعی و گسترش فرهنگ فقر می‌دانند؛ بنابراین، در ساماندهی این مراکز بحث تخلیه این مکان‌ها را پیشنهاد می‌کنند.

---

<sup>1</sup> Fiyakol

ساماندهی مناطق حاشیه شهرها عموماً در کرمان به شکل سیاست‌های تخلیه اجباری، نادیده‌انگاری، خودیاری و توانمندسازی انجام شده است. در مناطق زاغه‌نشین بیشتر سیاست تخلیه اجرا شده است و در مناطق حاشیه‌نشین اقدامات توانمندسازی و نادیده‌انگاری اما همچنان نتوانسته راهکاری عملی و الگویی مدون برای این مشکل اجرا کند؛ بنابراین، با توجه به تجربه‌های نه‌چندان موفق، در ساماندهی محلات حاشیه‌نشینی، ارائه و یافتن الگویی که بتواند مشکل حاشیه‌نشینی را تعدیل و سازمان‌دهی نماید مهم می‌نماید. در همین راستا پژوهش حاضر در جهت یافتن پاسخی برای این مشکل است که چه مدلی جهت ساماندهی حاشیه شهر کرمان می‌توان ارائه کرد؟

#### پیشینه تحقیق

**نقدی و همکاران (۱۴۰۰)** در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه گونه‌شناسی، چالش‌های حاشیه‌نشینی و بازی‌های حاشیه‌نشینان با سیاست‌های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه)" بیان می‌کنند که شهر ساوه در طول نیم‌قرن اخیر، شاهد رشد شتابانی بوده که بخش مهمی از این رشد به دلیل پدیده مهاجرت و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در چهارگوشه شهر بوده است. ۲۵ محله از ۵۰ محله شهر را حاشیه‌ها تشکیل می‌دهند که در یکی از چهار مرحله ورود مهاجران، شکل‌گیری انسجام اجتماعی (با ابزارهایی مانند ساخت اماکن مذهبی چون حسینیه)، دریافت خدمات و زیرساخت‌های شهری و در نهایت به رسمیت شناخته شدن و رسمی شدن کامل یا نسبی از سوی سازمان‌ها و نهادهای شهری قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد این مراحل به طور زنجیره‌ای به یکدیگر متصل هستند. حاشیه‌نشینان به روش‌های متنوعی با سیاست‌های رسمی مدیریت شهری بازی می‌کنند و «نظریه بازی» و بنا بر کنش و واکنش‌های بازیگران به یکدیگر موجب پیشروی در هر مرحله و ورود به مرحله بعدی می‌شود و تا پایان قصه ادغام در محدود طرح جامع و تفصیلی شهر این بازی و پیشروی ادامه پیدا می‌کند.

**رنگانه و همکاران (۱۴۰۰)** در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل گفتمان شهر مدرن؛ تولد کالبد شهر مدرن و بازنمایی زاغه‌نشینی" نتایج حاکی از آن است که؛ دال شهر مدرن در

ایران در شرایط گفتمانی خاصی امکان حضور یافت، و هویت شهر، بر اساس وجود "دیگری" امکان‌پذیر شد و برساخته گردید. داستان و فرایند "شدن" شهر مدرن در ایران به‌گونه‌ای رقم خورد که، در مرحله اول بر "کالبد فیزیکی" به‌عنوان "دال مرکزی" تکیه زده، و "دیگری" خود را تحت عناوین متفاوتی نظیر: زاغه‌نشینی، کپرنشینی و اتاق‌نشینی و... بازنمایی و سرکوب نمود.

داو، فریدلندر؛ باربارا اس. اوکون<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی «انتقال جمعیتی و انقلاب صنعتی در انگلستان: فرآیندهای روستایی و شهری معکوس» مدلی از تغییر جمعیت قرن نوزدهم در انگلستان و ولز ارائه می‌کند. این مدل، فرآیندهای جمعیتی و اقتصادی متضاد در بخش‌های روستایی و شهری را به‌عنوان توضیحات اصلی برای مهاجرت روستایی به شهر که از مازاد نیروی کار در بخش اول و کمبود نیروی کار در دومی ناشی می‌شود، برجسته می‌کند. این مهاجرت گسترده توزیع جغرافیایی جمعیت را در کنار تحول اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی تغییر داد. ما استدلال می‌کنیم که ادبیات جمعیتی در مورد فرآیندهای جمعیتی تاریخی در انگلستان و ولز در قرن ۱۹ توجه کافی به نقش مهاجرت داخلی نداشته است.

مارتین آلوارز و خاویر رویز-تاگل<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «بازتولید نمادین حاشیه‌نشینی: ساخت اجتماعی، برونی‌سازی و پیامدهای عینی انگ‌زنی سرزمینی در محله‌ای فقیرنشین سانتیاگو دی شیلی» انگ قلمرویی یک نمایش اجتماعی و نمادین از مکانی است که توسط عوامل خارجی ایجاد و دستکاری شده است که پس از ایجاد، برای آینده آن مکان و ساکنان آن تعیین‌کننده می‌شود. این بی‌اعتباری، گسترده و ماندگار است و «از بالا»، در رسانه‌ها، مقامات دولتی و بخشی از دانشگاه و «از پایین» در تعاملات روزمره عمل می‌کند. این مقاله از طریق یک مطالعه موردی کیفی در سانتیاگو دی شیلی، عمدتاً بر اساس مصاحبه‌ها و مشاهدات شرکت‌کنندگان، کل فرآیند انگ زدن را نشان می‌دهد: چگونه این بازنمایی‌های نمادین از نظر اجتماعی توسط بازیگران مختلف ساخته

<sup>1</sup> Dov, Friedlander ; Barbara S. Okun

<sup>2</sup> Martín Alvarez & Javier Ruiz-Tagle

می‌شوند. چگونه آن‌ها در گفتمان ساکنان فرض می‌شوند، با واکنش‌های متنوعی که شامل درونی‌سازی مطیعانه، طبیعی‌سازی و چالش سیاسی می‌شود؛ و اینکه چگونه این بازنمایی‌ها باعث رها شدن چندین بازیگر می‌شود که توسط ساکنان به‌عنوان زندگی در «مناطق سرخ» رهاسازی مزمّن نهادی تصور می‌شود. ما پیشنهاد می‌کنیم که انگ زدن به‌عنوان یک مکانیسم نهادی عمل می‌کند که در رابطه بین تمرکز فقر و ظهور مشکلات اجتماعی مداخله می‌کند.

**پوتینگر و همکار<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)** در مقاله‌ای با عنوان «شهری برای چه کسی؟ حاشیه‌نشینی و تولید فضا در بنگلور معاصر هند» شهرنشینی با حرکت به سمت جنوب، پویایی شهرسازی به‌سرعت در حال تغییر است. در زمینه هند که از دهه ۱۹۹۰ تغییرات شهری زیادی را تجربه کرده است، این پژوهش به یک مورد خاص از تخلیه محله‌های فقیرنشین در بنگلور پرداخت. این پژوهش نشان داد که مدل توسعه‌ای شهر گویای حاکمیت غیردموکراتیک و غیربومی است که باعث تقویت و تداوم قطبی شدن فضای اجتماعی می‌شود. این امر باعث ایجاد چالش‌هایی برای توسعه پایدار شهری می‌شود؛ زیرا ساکنان آسیب‌پذیر بنگلور به دلایل اساسی حذف می‌شوند. همچنین این مقاله نشان داد که تخلیه بر کیفیت زندگی ساکنان زاغه‌نشین، نقش دارد؛ و این پیامدهای منفی برای حکومت از لحاظ مشارکت اجتماعی افراد دارد و منجر به دوقطبی شدن فضا می‌گردد.

**شوبرگ و همکار<sup>۲</sup> (۲۰۲۱)** در مقاله‌ای با عنوان «مشترکات حومه شهر: ظهور حومه و پیدایش تحرکات جدید اجتماعی در محله‌های استکهلم» چنین بیان می‌کنند که دولت رفاه جهانی سوئد از دهه ۱۹۹۰ با افزایش مقررات‌زدایی، بازسازی مجدد و توزیع معکوس از بخش عمومی به بخش خصوصی که سرمایه و نفوذ در آن متمرکز شده است، به یک مدل رفاه مختلط تبدیل شده است. در شهرهای بزرگ مانند استکهلم، این امر باعث قطبی شدن گروه‌های مرکز شهر و مناطق مسکونی ثروت و منابع گردیده است در حالی که گروه‌های حاشیه‌نشین و محله‌های حاشیه‌نشین با محرومیت و حاشیه‌نشینی

<sup>1</sup> Pottinger

<sup>2</sup> Sjöberg



اجتماعی بیشتری روبرو شده‌اند. مددکاری اجتماعی بخش دولتی مدت‌هاست که بر کارهای شخصی متمرکز است، درحالی‌که این توسعه مستلزم افزایش نوآوری‌های کار در جامعه است. در این مقاله، ما ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری را که برای مشارکت، نفوذ و عدالت اجتماعی بسیج می‌شوند را به‌عنوان جنبه‌های مهم کار جامعه معاصر در مناطق شهری سوئد مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. از طریق تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارگران و فعالان جامعه و همچنین مقالات رسانه‌ای، گزارش‌ها و مطالب مبتنی بر وب، نتایج نشان می‌دهد که چگونه بسیج سازمان مگافونن<sup>۱</sup> به توسعه نهادهای اجتماعی جدید و شهرسازی مشترک کمک کرده است.

### مبانی نظری

نظریات و راهبردهای ارائه‌شده برای ساماندهی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین و غیررسمی

این نظریات و راهبردها شامل مجموعه نگرش‌هایی می‌شود که بیش‌تر به ارائه راه‌حل پرداخته‌اند.

### دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز

این سیاست حرکت و نگرش منجرانه به سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدام قهرآمیز در برخورد با این شکل از سکونت است. در پروژه‌ها و طرح‌های جهانی این اقدام منفورترین اقدام به شمار می‌آید. این شکل از برخورد عدم ریشه‌یابی درست مسائل و مشکلات اسکان غیررسمی و انجام اقدامات سریع به شمار می‌آید. این دیدگاه که به دیدگاه بولدوزر معروف است سعی در ریشه‌کن کردن اجتماعات اسکان غیررسمی دارد. «این رهیافت درواقع صورت‌مسئله را پاک کرده و به جابجایی جغرافیایی مسائل باقی‌مانده توجه ندارد، همچنین در زمینه اهمیت حفظ امید برای ساکنان این اجتماعات

<sup>۱</sup> Megafonen

این رهیافت یاس فراگیر را فشرده و در برابر تهدید جدی آن، انگیزه‌های مقابله و انفجار را تقویت می‌کند» (چاودار و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹:۲۰۲۳)

برنامه‌خانه‌سازی اجتماعی: تا پیش از دهه ۱۹۶۰، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش مسکن، غالباً ضروری تشخیص داده نمی‌شد و از آنجا که این بخش غیراقتصادی تلقی می‌شد، با سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌های اقتصادی - اجتماعی انتظار می‌رفت که مسئله کم‌درآمدها به‌خودی‌خود، با بهبود وضعیت همه از طریق سازوکار بازار حل شود؛ اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد با مشاهده استمرار و تشدید روند مسئله مسکن باعث شد تا سیاستمداران، مدیران، اندیشمندان و برنامه‌ریزان شهری توجه خاصی به این موضوع داشته باشند؛ بنابراین، مؤسسات ویژه‌ای برای حل مسئله مسکن کم‌درآمدها ایجاد شد و برنامه‌خانه‌سازی اجتماعی یا به عبارتی ساخت واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت ویژه کم‌درآمدهای شهری، سیاست بسیاری از کشورهایی که با پدیده حاشیه‌نشینی روبرو بوده‌اند قرار گرفت (برون و همکاران<sup>۲</sup>، ۹۵:۲۰۲۳) در این رویکرد، دولت از طریق مؤسسات ایجادشده اقدام به ساخت مجتمع‌هایی با واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت کرد. واحدهای ارزان‌قیمت خود دو گروه بودند. یک دسته مجتمع‌های کارمندی و دیگری واحدهایی که به‌منظور جابجایی و اسکان حاشیه‌نشینان احداث می‌شد؛ مانند کوی نهم آبان در تهران یا مجتمع ۲۵۰۰ دستگاه در بندرعباس (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷۲).

رویکرد خانه‌سازی اجتماعی نتوانست راه‌حل مناسبی برای فائق آمدن بر مشکل حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر باشد؛ زیرا اولاً مدیران شهری و دولتی، منابع مالی لازم برای تأمین مسکن به‌اندازه نیاز همه را نداشتند و دوم اینکه طولانی شدن مدت احداث واحدها، هزینه‌های ساختمانی را بالا می‌برد که این امر سبب بالا رفتن قیمت واحدها و در نتیجه محروم ماندن فقرا از خانه می‌شد (بلخی، ۱۳۹۳: ۱۹). به دلیل اینکه این واحدها بدون هیچ‌گونه بررسی روی شیوه و راه‌های گذران زندگی، فرهنگ و

<sup>1</sup> Chowdhury & Sarasvathy & Freeman,

<sup>2</sup> Brown, J. A & Forster, W. R., & Wicks, A. C

سنت‌های رایج حاشیه‌نشینان ساخته می‌شدند؛ بنابراین، مورد قبول آنان واقع نمی‌شد و از طریق فروش یا اجاره در اختیار دیگران قرار می‌گرفت (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۹: ۷۲).

**دیدگاه تخریب و بازسازی:** در دهه ۱۹۷۰ با توجه به اینکه روش‌های قبلی در حل مشکل حاشیه‌نشینی نتوانستند چاره‌ساز شوند، روش جدیدی ارائه گردید که طی آن مسئولان دولتی اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه تخریب و بهسازی زاغه‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی کردند (بلخی، ۱۳۹۳: ۲۱). در این روش، منطقه غیررسمی یا زاغه‌ای تخریب می‌شود به طوری که شکل قبلی خود را از دست می‌دهد و فقط واحدهایی که شرایط مناسبی برای زندگی دارند حفظ می‌شود به عنوان نمونه محله‌ای از مناطق الله‌آباد کرمان که در سال گذشته به کلی تخریب گردید. تخریب این محله ظاهراً به حیات آن پایان داد؛ اما این تصویری خیالی بیش نیست؛ زیرا تخریب یک محله نابهنجار نمی‌تواند راهکاری برای جلوگیری از تکرار شکل‌گیری چنین سکونتگاهی یا بهبود وضع زندگی فقرای شهری باشد. ضمن اینکه تخریب این مناطق، عواقب و عوارض ناگواری در پی دارد.

**رویکرد ارتقابخشی:** رویکرد ارتقابخشی (بهسازی) که بر ضرورت استفاده از قابلیت‌های درون‌زای فقرا و پرهیز از جابجایی آنان دلالت دارد، از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و از زمانی آغاز شد که سکونتگاه‌های فقیرنشین به عنوان یک پدیده ساختاری ماندگار پذیرفته شدند همچنین این رویکرد بر این فرض استوار است که وضعیت محلی، چهارچوب قانونی و مقررات هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است و رویکردهای پیشین در حل مشکل، ناکام بوده‌اند. سه عنصر اصلی در این طرح‌ها یافت می‌شود. عنصر اول، تأمین خدمات پایه است. برای محلات کم‌درآمد، سرانه هزینه خدمات‌رسانی بسیار بالاست و اتکا به خدمات بازارمحور منطقی نیست؛ بنابراین، ارائه خدمات لازم از سوی دولت ضروری است. عنصر دوم عبارت است از ساماندهی کالبدی و بهینه‌سازی و اصلاح معابر و صف‌بندی ساختمان‌ها عنصر سوم ارتقابخشی مستلزم تأمین امنیت، حق سکونت و مالکیت است. این موضوع می‌تواند در قالب مالکیت کامل یا در شکل اجاره بلندمدت تحقق یابد؛ یعنی در این رویکرد نیز به رسمیت

شناختن حق مالکیت، عاملی اساسی به شمار می‌رود. برنامه ارتقابخشی در سه محور اقدامات و راهکارها دنبال می‌شود که ایجاد اشتغال و درآمد در این میان دارای نقش اساسی در بهبود مسکن و محیط زندگی فقرا است. در اینجا علاوه بر پذیرش حق سکونت و توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی در میان فقرا، افزایش درآمد ثابتی روی می‌دهد که این امر به اصلاح و بهبود محیط و مسکن می‌انجامد. از مهم‌ترین مزایای ارتقابخشی می‌توان به این نکات اشاره کرد که ساختار اجتماعی موجود را حفظ می‌کند، نظام اقتصادی را برهم نمی‌ریزد، مسکن با هزینه کم را حفظ می‌کند، مشکلات و پیامدهای منفی تجدید اسکان را به همراه ندارد یا به حداقل می‌رساند (نقدی، ۱۴۰۰: ۲۶۵).

**توانمندسازی:** سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های آزادسازی و تثبیت اقتصادی به طور عام و سیاست‌های مسکن مربوط به آن به طور خاص موردنقد قرار گرفت، و ضرورت تغییر آن آشکار شد (توکلی نیا و شالی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) این تغییر به طور کلی به لزوم ایجاد تعادل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه یک‌جانبه بر یکی از آن‌ها توجه دارد. این رویکرد که نام توانمندسازی به خود گرفته است، با تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به استراتژی سرپناه مبدل شد. در این رویکرد سیاست‌های مسکن که می‌توان گفت در قالب رویکرد جدید با اقتصاد توسعه به نام نیازهای پایه جای می‌گیرد، با مقولات اجتماعی و اقتصادی توسعه یکسان برخورد می‌شود؛ و این بار به طور همه‌جانبه‌ای می‌کوشد که پروژه‌های منفرد برای مسکن کم‌درآمدها را به اقتصاد کلان برنامه‌های اقتصاد دولت بازار مالی برنامه‌ریزی کالبدی و غیره، پیوند بزند. توانمندسازی، راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است؛ که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی اقشار کم‌درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازهایشان، توسط خودشان بهبود یابد (بهزاد، فر، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارائه گردید و راه‌حل مسئله فقر

شهری و اسکان غیررسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی‌بیند. بلکه در کنار و مقدم بر این‌ها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است. دیدگاه مبتنی بر توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی بیشترین تلاش خود را متوجه نحوه واکنش تهیدستان و کم‌درآمدهای شهری به حل مسئله مسکن و سرپناه خود و راه‌حل‌ها و راهکارهای توانمندسازی آن‌ها و سامان‌بخشی سکونتگاه‌های غیررسمی کرده است. این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبودی در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود ببخشند. در روش توانمندسازی مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می‌گردد که تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کند. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مسئله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی‌داند؛ بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است (بهزادفر، ۱۳۹۷: ۱۰۱). آنچه در این راهبرد محوریت دارد، تأکید ویژه بر افزایش درآمد و فقرزدایی خانوار است که بدین منظور آموزش‌های حرفه‌ای و بالا بردن مهارت نیروی کار و کمک به آنان در دسترسی به منابع و سازمان‌دهی و بازاریابی بهتر کسب‌وکارشان به‌ویژه با میانجی‌گری سازمان‌های غیردولتی و محلی بسیار بااهمیت است.

**دیدگاه خنثی و منفعل:** در این نگرش، مسئولان و مدیران شهری پدیده را نادیده می‌انگارند. «این رهیافت که با نگرشی لیبرالی و تشابه‌سازی تاریخی با مراحل توسعه‌ای جوامع توسعه‌یافته، اسکان غیررسمی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند و از این‌رو خواهان رهاسازی آن به سازوکارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دست‌یافتن به توسعه، دیگر اسکان غیررسمی وجود نداشته باشد. خطای این نگرش در تشابه‌سازی تاریخی برای کشورهای جنوب با توجه به استمرار و گسترش این پدیده مشهود است. ضمن آنکه بی‌توجهی به میلیون‌ها شهروند طی ده‌ها سال به امید حل

خودبه‌خودی مسائل، از نظر ارزش‌های انسانی مقبول نیست» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹:۱۶۲). این استراتژی عدم توجه به بافت‌های مسئله‌دار فعلی و ارائه اقدامات جهت گسترش آتی بافت‌های نابسامان را در نظر می‌گیرد. دکترین این نظریه عدم توجه به بافت‌های مسئله‌داری است که از گذشته تا به حال شکل گرفته است. سؤال این است که این عدم توجه چه تأثیری بر روند گسترش‌های جدید و آینده خواهد داشت. حوادث اتفاق افتاده طی سال‌های اخیر در شهرهایی نظیر بندرعباس و کرمانشاه نشان می‌دهد که غفلت از بافت‌های رشدیافته لطمات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. نمونه این امر را می‌توان به‌وضوح در معضلات اجتماعی موجود در این بافت‌ها اشاره کرد. حوادثی نظیر حادثه پاکدشت و ناهنجاری‌های این‌چنینی همان به‌بوتۀ فراموشی سپردن بافت‌های غیررسمی و حاشیه شهر است. این نکته را نیز باید در نظر داشت که این عدم توجه، بهانه‌ای در جهت رشد خودکار محلات خواهد بود (وصالی و قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۸:۹۹).

#### جدول (۱): جمع‌بندی دیدگاه‌ها ساماندهی (یافته‌های محقق)

نام دیدگاه	ویژگی اساسی	راهکارهای ساماندهی
اکولوژی بوم‌شناختی	توجه سازوکار پیدایش حاشیه‌نشینی با توجه به بافت فیزیکی شهر	حذف، جمع‌آوری و یا پاک‌سازی در روال رشد طبیعی شهر
نیازهای اساسی	علت اصلی پیدایش و گسترش حاشیه شهرها، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن در پاسخگویی به نیاز قشر کم‌درآمد جامعه شهری است	حاشیه‌نشینی و حاشیه شهرها را امری طبیعی و عادی تلقی نموده، بنابراین اسکان غیررسمی به‌طور نسبی اجتناب‌ناپذیر است.
نگرش سیستمی	حاشیه شهرها محصول روابط نابرابر عناصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری در جریان عملکرد سیستم	ایجاد تعادل بین عناصر سیستم شهری و حذف نیروهایی که منجر

نام دیدگاه	ویژگی اساسی	راهکارهای ساماندهی
	شهری است	به بی‌نظمی می‌شود.
اقتصاد سیاسی فضا	حاشیه شهرها محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری؛ انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران می‌شود	حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید و توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و سرانجام تغییر بنیادین جوامع جستجو می‌کند
لیبرالی	تحلیل پیدایش حاشیه شهرها با استفاده از قوانین بازار (پیش افتادن تقاضا از عرضه)؛ تأیید نظام اقتصادی موجود	تغییرات تدریجی در نظام اقتصادی (تأکید بر الگوی رشد اقتصادی نامتعادل)
رادیکالی	شکل‌گیری اسکان غیررسمی در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی و ویژگی‌های ملی؛ ادغام اقتصادهای جهان سوم در اقتصاد سرمایه‌داری و قطبی شدن جوامع در قالب مرکز و حاشیه و قطبی شدن درونی جوامع یعنی اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر	به دنبال چاره‌های اساسی با تغییر در ساختار جامعه (اگر نظام کلان اصلاح نشود؛ نظام‌های خرد قابل اصلاح نیستند) درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در شکل‌های غیررسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش‌های سیاسی تکیه می‌کند
توانمندسازی و اقتداربخشی	اسکان غیررسمی را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راهکارها و راه‌حل‌های بهینه‌سازی شرایط زندگی و سکونت است	دولت باید زمینه بهبود مسکن خودیار را فراهم سازد و به‌جای تخریب و مقابله، راه‌حل‌های مبتنی بر توانمندسازی، ساماندهی و

نام دیدگاه	ویژگی اساسی	راهکارهای ساماندهی
		بهسازی کانون‌های حاشیه‌ای را هدف قرار می‌دهد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش گراند تئوری با رهیافت اشتراوس و کوربین انجام شد. نمونه نظری به صورت هدفمند از افرادی که در این زمینه تخصص و اطلاعات کافی را داشتند؛ تا اشباع نظری ادامه داشت که نهایتاً این افراد انتخاب شدند. شهردارهای شهر کرمان و معاونان (شامل ۵: منطقه شهری) تعداد ۵ نفر؛ فرمانداری ۱ نفر؛ استانداری ۱ نفر؛ نیروی انتظامی ۱ نفر؛ دادگستری کرمان ۱ نفر؛ نمایندگان مجلس شهر کرمان ۱ نفر (یکی از نمایندگان در تحقیق مشارکت نمود)؛ کمیته امداد امام خمینی ۱ نفر؛ بهزیستی شهر کرمان ۱ نفر؛ شورای شهر کرمان ۱ نفر، ادارات تسهیله‌گری شهر کرمان ۴ نفر و سازمان بنیاد مسکن ۱ نفر. گراند تئوری با رهیافت چامز دو مرحله کدگذاری دارد کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز دارد که در نهایت برای ارائه مدل از میان مقولات شرایط علی؛ شرایط زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ راهبردها و نهایت پیامدها مشخص می‌شود. در این پژوهش ۵۶ مقوله کدگذاری باز و در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ مقوله و نهایتاً در ۵ کد گزینشی دسته‌بندی شد. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. روایی صوری متن مصاحبه‌ها توسط اساتید و اعتبار اعضا تأیید شد و پایداری از طریق توافق درون‌موضوعی حاصل شد. بدین صورت اساتید راهنما و مشاور دو متن تایپ شده مصاحبه را کدگذاری کردند که میزان تشابه ۷۸٪ به دست آمد که نشان‌دهنده پایداری مطلوب است.

### یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۲): ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	سن	سابقه خدمت	تحصیلات
-------	----	------------	---------



۴	لیسانس - فوق‌لیسانس	۲	۱۱-۱۵ سال	۳	از ۳۰ تا ۳۵ سال	۱۶	مرد
۵	دانشجوی دکتری	۱۰	۱۶-۲۰ سال	۶	۳۶ تا ۴۵ سال	۲	زن
۹	دکتری تخصصی	۶	۲۰ سال به بالا	۹	۴۵ سال و بیشتر		
۱۸	جمع	۱۸	جمع	۱۸	جمع	۱۸	جمع

### یافته استنباطی

جدول شماره (۳): مفاهیم شناسایی شده در متن مصاحبه‌ها و ارتباط کدها با متن

نمونه داده / متن	مفهوم شناسایی شده در متن مصاحبه‌ها	کد مفهومی
<p>عوامل بی‌شماری در کرمان زمینه وجود حاشیه شهرها در کرمان است. جدا از عوامل اقتصادی فرهنگی جامعه، مشکل خشک‌سالی استان‌های هم‌جوار مثل سیستان و بلوچستان و مهاجرت افغان‌ها به کرمان مهم‌ترین دلایل هستند. البته هر کدام از مناطق حاشیه‌ای شهر کرمان یک سری حاشیه‌نشین دارد؛ مثلاً در منطقه شرف‌آباد و منطقه شهرک صنعتی کرمان اتباع بیگانه، بیشتر است؛ چون نیروی کار ارزان دارد. منطقه الله‌آباد شهر کرمان و شیشه‌گر یک منطقه روستایی بوده که بیشتر مشکلات اقتصادی باعث شد این منطقه در تصرف حاشیه‌نشین‌ها قرار بگیرد و چون کم‌کم امکانات داده شد، توسعه پیدا کرده. از نظر من دادن امکانات جاذبه به وجود می‌آورد. من با این‌گونه اقدامات در مناطق حاشیه مخالفم. مدیریت مناطق حاشیه از الگو خاص پیروی نمی‌کند چرا که هم ارگان‌های زیادی</p>	<p>خشک‌سالی، مشکلات فرهنگی و اقتصادی، اتباع بیگانه عملکرد مدیریتی ضعیف و احساسی، عدم کارشناسی دقیق در ارائه خدمات در این مناطق دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز ایجاد قرارگاه عملیاتی</p>	۱۰۰۱

<p>متولی هستند و هم در این شهر بیشتر اقدامات مدیریتی احساسی بوده و به صورت سلیقه‌ای اعمال شده. هر مدیری یک اقدامی انجام داده از طرفی چون این مناطق یک محل خوبی برای شناخته شدن و رای جمع کردن افراد برای انتخابات هست سعی می‌کنند دل مردم این مناطق را به دست بیاورند. خیلی وقت‌ها امکانات بدون برنامه کارشناسی شده به این منطق ارائه شده (البته شورای شهری‌ها در این امر بسیار دخیل‌اند). پیامدهای متعددی می‌تواند حاشیه‌نشینی برای شهر کرمان داشته است. رشد قاچاق، دزدی و انواع آسیب‌های اجتماعی به همراه داشته. عدم ساماندهی حاشیه شهر هم باعث شده که مسئولین شهر زیر سؤال بروند. راهکار من برای این مناطق ساماندهی نیست؛ چون جذابیت این مناطق را بیشتر می‌کند. تشکیل یک قرارگاه عملیاتی که بتواند تصمیم‌گیرنده واحد داشته باشد از نظر من تنها راهکار است.</p>		
<p>به نظرم فقر اقتصادی مهم‌ترین علت برای حاشیه‌نشینی هست و توسعه حاشیه شهر کرمان دلیلش دلالت زمین هستند. از نظر من بسیاری از افراد در این مناطق حقوق‌بگیر افرادی دیگری هستند. مثلاً در منطقه شیشه‌گر و الله‌آباد چون امکانات ارائه شده است افرادی استخدام می‌کند و بخشی از زمین برای آن‌ها با مصالح ارزان یک آلونک درست می‌کنند و به مرور زمان صاحب زمین می‌شوند. نقش افراد دلال و قدرتمند در این زمینه و توسعه این منطق نباید نادیده گرفته شود. حاشیه‌نشینان آچارهایی هستند برای افراد بانفوذ در</p>	<p>فقر اقتصادی - دلالت                  رأی جمع کردن توسط افراد بانفوذ                  ۱۰۰۲                  تخریب و قهرآمیز، نادیده-                  انگاری، بهسازی                  افزایش آسیب پذیری شهر                  از مهاجران غیرقانونی                  کاهش آسیب‌های اجتماعی</p>	

<p>شهرها به‌خصوص در کرمان؛ در این منطقه به امری سیاسی تبدیل شده. ساماندهی به شکل برنامه‌ای مدون و در یک برنامه شامل اقدامات بلندمدت، یا کوتاه‌مدت نیست. جاهایی اقداماتی فقط در حد نصب برنوشته انجام شده که مثلاً این زمین مال دولت هست یا سدهای بتونی می‌گزاریم. در جایی تخریب انجام می‌شود و در جاهایی هم ارائه خدمات بهسازی. این اقدامات با توجه به نظر مدیران انجام می‌شود و با تغییر انتصابات، تصمیم‌گیری‌ها هم تغییر کرده است. به نظر من راهکار مناسب مشخص شدن یک ارگان به‌عنوان متولی ساماندهی است. چرا که در حال حاضر هر ارگانی خودش را در ساماندهی هنگام گرفتن بودجه دخیل می‌داند در ولی در زمان عملیاتی شدن و کار میدانی عموماً گردن یکدیگر می‌اندازند.</p> <p>پیامدهای عدم ساماندهی، افزایش آسیب‌پذیری شهر از مهاجران غیرقانونی است. اگر بتوانیم هر بخش را توانمند کنیم خیلی از آسیب‌های شهری کاهش می‌یابد.</p>	<p>و توانمندسازی هر بخش از بین بردن چندپارگی قانونی و مشخص شدت یک سازمان به‌عنوان متولی</p>	
<p>مهاجرت روستاییان به شهرها و مهاجرت از کشورهای دیگر به‌خصوص افغانستان؛ تحت تأثیر ناهماهنگی بخش‌های مختلف اقتصاد؛ مشکلات طبیعی (خشک‌سالی‌ها و زلزله)؛ معتقدم در اختیار گذاشتن امکانات به این منطقه‌های حاشیه کار اشتباهی است؛ اما چون موضوع امنیتی می‌شود معمولاً یا مشکلات نادیده گرفته می‌شود یا سعی می‌شود یک خدمات محدودی ارائه شود. تا برخورد قانونی محکمی وجود نداشته باشد. نمی‌توان انتظار داشت که مشکلات حل شوند. راهکار: طرح کمربند سبز اجرا شود؛ تعارض منافع بین</p>	<p>مهاجرت، مشکلات طبیعی (خشک‌سالی‌ها و زلزله) ناهماهنگی بخش‌های مختلف قهرآمیز و تخریب تعارض منافع بین سازمان‌های متولی از بین بود.</p>	<p>۱۰۰۳</p>

<p>ارگان‌های متولی از بین برود و سرپرست برای قانون‌گذاری انتصاب شود و منافع انتخاباتی دنبال نشود تا کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند دزدی و قاچاق را در این منطقه شاهد باشیم.</p>	<p>اجرای کمربند سبز در شهر کرمان، کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی مانند دزدی</p>	
<p>فقر مهم‌ترین عامل گسترش حاشیه‌نشینی است. اقدامات برای ساماندهی در شهر کرمان جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرقانونی در شهر است. عموم برنامه‌ها کوتاه‌مدت هستند. البته نگاه بهسازی در خدمات‌رسانی یک نظریهٔ ایدئال است و ما تلاش می‌کنیم در این راستا گام برداریم. حتماً باید خدماتی در روستاها ارائه کنیم که مهاجرت از روستا به شهرها کم شود و اگر به استان‌های هم‌جوار مانند سیستان هم خدمات بهتری ارائه داده شود حجم بسیار زیادی از مهاجرین حاشیه‌نشین کرمان کم خواهد شد. راهکار پیشنهادی حل‌شدن چنددستگی در سیاست‌گذاری‌های مربوط به ساماندهی اجرای طرح کمربند سبز شهر کرمان که در نهایت شاهد نظم شهری و جلوگیری از وسعت شهر خواهیم بود. اما به این نکته هم دقت داشت که قیمت زمین‌های سطح شهر بالاتر خواهد رفت.</p>	<p>فقر سیاست‌های کوتاه‌مدت؛ جلوگیری از ساخت‌وسازهای خلاف در شهر؛ اجرای طرح کمربند سبز، حل‌شدن تعارض منافع، نظم شهری و جلوگیری از وسعت شهر؛ قیمت زمین‌های سطح شهر بالاتر</p>	<p>۱۰۰۴</p>
<p>مهاجرت از شهرها و روستاهای اطراف کرمان؛ گسترش کارخانه‌های صنعتی در اطراف شهر؛ هزینه‌های مسکن و اجاره به شکل غیرطبیعی بالا رفته است. برای ساماندهی تأکید بر بهسازی است. طرح‌هایی مانند اجرای پروژه‌های آبرسانی؛ اجرای شبکه‌های فاضلاب در حاشیه شهر اجرا شده است؛ اما چون هر ارگانی</p>	<p>مهاجرت از شهرها و روستاهای اطراف کرمان؛ گسترش کارخانه‌های صنعتی در اطراف شهر؛ هزینه‌های مسکن و اجاره به شکل غیرطبیعی؛</p>	<p>۱۰۰۵</p>

<p>برای خود اقداماتی انجام می‌دهند یکپارچگی بین تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد. راهکار پیشنهادی توسعه روستاها، کارخانه‌ها در روستاها تأسیس شوند. بهسازی و مشارکت افراد با توانمندسازی حاشیه‌نشینان.</p>	<p>یکپارچگی بین تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد؛ بهسازی؛ بهسازی و مشارکت افراد با توانمندسازی حاشیه‌نشینان</p>	
<p>مهم‌ترین علت گسترش حاشیه‌نشینی در شهر کرمان عدم تعیین تکلیف محلات و منطقه حاشیه شهر است. مثلاً محله صیادی شیرازی سکونتگاه غیررسمی است (نه روستاست نه جزء شهر هست. پراسیب‌ترین محله شهر کرمان محله قشمی‌های بم هست؛ چون در بافت تاریخی هم قرار گرفته اقدامات خاصی صورت نگرفته؛ فقر اقتصادی؛ فرهنگی. در مسئله ساماندهی حاشیه تعداد بی‌شماری طرح ارائه شده که سازمان متولی بسیاری را به وجود آورده که اقدامات هرکدام با دیگری موازی است. مثلاً طرح مساجد اسلامی، طرح تحول اجتماعی، طرح‌های تسهیلگری، جدیداً هم که قرارگاه خاتم‌الانبیا متولی شده است. در حال حاضر اجرای سیاست تخریب و بهسازی مهم‌ترین اقدامات جهت ساماندهی حاشیه شهر هست. راه‌حل مناسب تعیین یک نهاد واحد برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای این مناطق است.</p> <p>بهسازی و ساماندهی این مناطق همراه با مشارکت افراد محله و اجرا شدن کمربند سبز</p>	<p>عدم تعیین تکلیف مناطق حاشیه‌نشین فقر اقتصادی؛ فرهنگی؛ موازی‌کاری سیاست تخریب و بهسازی؛ تعیین یک نهاد واحد برای تصمیم‌گیری بهسازی و ساماندهی این مناطق همراه با مشارکت افراد محله و اجرا شدن کمربند سبز</p>	<p>۱۰۰۶</p>
<p>عوامل بی‌شماری مانند فقر، خشکسالی، مهاجرپذیری از اتباع خارجه، مهاجرت روستاییان، زلزله زرنده و بم، در</p>	<p>فقر، خشکسالی، مهاجرپذیری از اتباع</p>	<p>۱۰۰۷</p>

<p>شکل‌گیری حاشیه‌ها نقش دارند.</p> <p>اقدامات در راستای ساماندهی تا قبل از سال ۹۰ قهرآمیز بوده است. بعد از سال ۹۰ وزارت کشور مسئول شد در مورد آسیب‌های حاشیه اقداماتی انجام دهد. با توجه به مشاهده حجم بالای آسیب‌ها، طرح نجات انجام شد. تیم کارگروه دوره قبل قوی عمل کرد و این مشکل توجه خاص داشت که ضمن اشاره به این موضوع که نگاه قهرآمیز آسیب را کاهش نمی‌دهد بلکه آسیب‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییر می‌دهد. طرح ادارات تسهیلگری را تصویب کرد. ادارات تسهیلگری برای اولین بار تمام شماری از مناطق حاشیه‌نشین انجام دادند و اطلاعات دقیقی در مورد افراد ارائه ساختند. اطلاعاتی مانند سن، تحصیلات و.... هر سال گزارش سالانه‌ای منتشر می‌شد. اما الان در حال حاضر چون بودجه‌ای اختصاص نیافت دفاتر تعطیل شدند اما در تعطیلی این دفاتر فقط در شهر کرمان نبود بودجه دخیل نبود بلکه مخالف شهرداری‌ها و حتی استانداری به این موضوع دامن زدند. پیامد حضور این ادارات در مناطق آگاهی و حق‌خواهی برای مردم این مناطق است.</p> <p>راهکارهایی که در حال حاضر برای ساماندهی ارائه می‌شود با توجه به منطقه اقدامات متفاوتی است؛ اما عمده اقدامات سیاست تخریب و بهسازی معمولاً در مناطق زاغه‌نشین با تخریب هست و حاشیه‌ها بهسازی. از نظر من ساماندهی متولیان بی‌شمار ساماندهی، و اجرای طرح‌های نیمه‌کاره و ناتمام مانند مشخص شدن محدوده حاشیه شهر و درنهایت توانمندسازی افراد</p>	<p>خارجه و روستاها، زلزله زرنده، بم</p> <p>طرح‌های بی‌شمار و متولیان بی‌شمار</p> <p>تخریب و بهسازی</p> <p>ساماندهی متولیان، توانمندسازی با بهسازی</p>
--	---

<p>حاشیه‌نشین می‌توان انتظار داشت که بخشی از معضلات و مشکلات این مناطق حل شود که در این صورت سطح آسیب‌ها نیز کاهش می‌یابد.</p>		
<p>از علل گسترش روزافزون حاشیه‌ها در شهر کرمان فقر اقتصادی، ضعف‌های فرهنگی، عدم برنامه‌ریزی بلندمدت برای حل این مشکل، ضعف ساختاری شهرنشینی.</p> <p>دوست دارم این نکته را حتماً مطرح نمایم از نظر من که در این حوزه کارکرده‌ام و کار میدانی انجام داده‌ام باید بگویم با توجه به تأکید رهبری بر حل آسیب‌های مناطق حاشیه کردند هیچ عزم جدی برای حل مشکلات اجتماعی وجود ندارد به عبارتی باید بگویم عزم جدی برای ساماندهی و حل مسائل اجتماعی وجود ندارد؛ چون اولویت حال نیست. نکته دیگر شکاف عمیق میان واقعیت حال جامعه و تصورات برنامه‌ریزان وجود دارد به‌عنوان مثال هفته پیش یک نفر معرفی کردند برای اشتغال‌زایی در مناطق حاشیه با حرف‌ها و جلسه‌ای که ما با این آقا داشتیم متوجه شدیم اطلاعات واقعی در مورد این منطقه ندارد و هدف سیاسی دارد و دنبال اقداماتی شعاری است. نگاه دیگری که مورد توجه قرار نمی‌گیرد این است که اقدامات غیرکارشناسانه می‌تواند آسیب این مناطق را بیشتر کند. مثلاً تخریب یک منطقه در محله شیشه‌گر کرمان که از نظر شهرداری لازم بود و اجازه اداره تأمین برای تخریب گرفته با توجه به مخالفت ما به‌عنوان یک مرکز تسهیلگری انجام شد. نتایج این شد که پیامدهای بدی برای منطقه دیگر</p>	<p>شهر کرمان فقر اقتصادی، ضعف‌های فرهنگی، عدم برنامه‌ریزی بلندمدت برای حل این مشکل، ضعف ساختاری شهرنشینی اولویت قرار نگرفتن حل مسائل اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی تخریب و بهسازی مشارکت افراد حاشیه در طرح‌های بهسازی، کمربند سبز شهر کرمان اجرا شود</p>	<p>۱۰۰۸</p>

<p>شهرک صنعتی فراهم کرد که آمار دزدی‌های این منطقه بیشتر شد. بعد از پیگیری‌ها متوجه شدیم معتادان متهاجر که در محله شیشه‌گر بودند وارد محله شهرک صنعتی شده‌اند و عملاً مشکل از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل شده با آسیب‌های بدتری به همراه دارد. تمامی افرادی که در حاشیه ساکن هستند لزوماً افراد دچار آسیب نیستند و می‌توان با مشارکت آن‌ها در بهسازی این مناطق گام‌های مفیدی برداشت. از نظر بنده باید به دنبال علت‌های اجرا نشدن کمربند سبز شهر کرمان بود. به نظر من چون افراد بانفوذ جزء زمین‌خواران شهر کرمان هستند از مهم‌ترین دلایل است.</p>		
<p>از مهم‌ترین علل گسترش حاشیه شهر کرمان می‌توان؛ عدم اجرایی شدن طرح‌هایی چون کمربند سبز و مشخص شدن محدوده حاشیه؛ کمبود آب در شهر کرمان و استان‌های هم‌جوار؛ عدم نظارت دقیق و غفلت ارگان‌های متولی؛ وجود افراد سودجو و دلالان زمین؛ نام برد. در حال حاضر بیشتر نگاه قهرآمیز داریم؛ ولی بهسازی در برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد.</p> <p>راهکار پیشنهادی واگذاری واحدهایی به شرط تملک و کاهش فقر است. اگر فقر از بین برود و اشتغال‌زایی در این مناطق شود می‌توان امیدوار بود که آسیب‌های این مناطق کم شود. در حال حاضر در شهر کرمان این مناطق، مراکزی برای توزیع و مصرف مواد مخدر هستند و درگیری‌های خشونت‌آمیز و بسیاری از تخلفات را شاهد هستیم.</p>	<p>عدم اجرایی شدن طرح‌هایی چون کمربند سبز و مشخص شدن محدوده حاشیه؛ کمبود آب در شهر کرمان و استان‌های هم‌جوار؛ عدم نظارت و غفلت ارگان‌های متولی؛ افراد سودجو و دلالان زمین؛ زمین‌خواری ورود ارگان‌هایی که مالک زمین‌ها تخلیه؛ واگذاری واحدهایی به شرط تملک و کاهش فقر</p>	<p>۱۰۰۹</p>



<p>مشخص نبودن محدوده حاشیه شهر کرمان؛ خلأهای قانونی که درگیری و ساماندهی این مناطق وجود دارد، عدم نظارت دقیق ارگان‌های متولی؛ افزایش دلالتان زمین؛ زمین‌خواری. افراد پر قدرت جلوی بسیاری از اقدامات ساماندهی را گرفته‌اند؛ مثلاً خرید و فروش زمین‌ها در منطقه هوانیروز کرمان در شهر کرمان تأکید بر بهسازی است؛ ولی بهسازی متناسب با رشد حاشیه نیست در نتیجه نمی‌تواند به‌خوبی جوابگوی نیاز این شهر باشد. اگر بخواهیم که به‌خوبی بتوانیم از پس این معضل بریابیم یک بسیج همگانی و مشارکت میان مردم و مسئولان لازم است. راهکار سرعت بخشی به بهسازی این مناطق و اجرای قوانین سخت‌گیرانه برای متخلفان است. اگر این اقدامات انجام نشود آسیب‌های شهری بیشتر می‌شود دزدی‌های مرکز شهر بیشتر می‌شود.</p>	<p>مشخص نبودن محدوده حاشیه؛ خلأهای قانونی که در این زمینه وجود دارد، عدم نظارت دقیق ارگان‌های متولی؛ افزایش دلالتان زمین؛ زمین‌خواری افراد پر قدرت جلوی بسیاری از اقدامات ساماندهی را گرفته‌اند بهسازی (با رشد کند) سرعت بخشی به بهسازی</p>	<p>۱۰۱۰</p>
<p>ضمن تأسف برای وجود این پدیده در شهر کرمان مهم‌ترین دلایل را می‌توان به خشکسالی‌های مکرر روستاهای این استان؛ مهاجرپذیری از کشورهای همسایه مانند افغانستان، فقر اقتصادی نام برد. اقدامات بی‌شماری جهت ساماندهی حاشیه شهر توسط ارگان‌های متعدد انجام می‌شود؛ اما مهم‌ترین دلیل در ناتوانی چندپارگی در تصمیم‌گیری‌هاست و ضعف ساختاری شهرنشینی در شهر کرمان و نبودن زیرساخت‌هایی مانند اداره شهر به شیوه هوشمند را نام برد. ساماندهی تأکید بر بهسازی و ایجاد مانع در گسترش مناطق حاشیه است. اجرای طرح کمربند سبز؛</p>	<p>خشکسالی‌های مکرر روستاهای این استان؛ مهاجرپذیری از کشورهای همسایه مانند افغانستان، فقر اقتصادی چندپارگی در تصمیم‌گیری‌هاست و ضعف ساختاری شهرنشینی بهسازی و ایجاد مانع در گسترش مناطق حاشیه</p>	<p>۱۰۱۱</p>

<p>استفاده از کارشناسانی که در این مورد صاحب نظر هستند. از بین رفتن تعارض منافع، بهسازی و مشارکت مردمی چون هیچ کاری بدون همراهی افراد آن منطقه امکان پذیر نیست.</p>	<p>بهسازی و مشارکت مردمی؛ استفاده از کارشناسان؛ اجرای طرح کمربند سبز؛ از بین رفتن تعارض منافع</p>	
<p>درآمد کم روستاهای هم جوار شهر کرمان؛ کمبود شغل در روستاها؛ فقر اقتصادی، بلایای طبیعی، سهم خواهی بعضی از سازمان های دولتی (به عنوان مثال یکی از دانشگاه های شهر بخشی از زمین های مربوط به دانشگاه را بدون هماهنگی با سایر ارگان ها به اعضای دانشگاه واگذار کرده بود، سهم خواهی اوقاف در بسیاری از زمین های شهر از علل به وجود آمدن حاشیه شهر در شهر کرمان است. عمده عملکردهای ساماندهی در شهر کرمان بهسازی و تخریب است. نبود امکانات فرهنگی در منطقه حاشیه ساماندهی در این مناطق را با مشکلات خاصی روبرو می سازد به خصوص در بهسازی ها با افراد منطقه دچار مشکل هستیم. من با تخریب موافقم چون خیلی از جاها نبود برخورد قانونی در این منطقه باعث شد شهر بی رویه گسترش یابد. استفاده مردم در این مناطق از آب و برق مجانی باعث می شود مردم ساکن شهر که هزینه پرداخت می کنند حق آن ها ضایع می شود و از طرفی هرچقدر آب در این شبکه ها پمپاژ شود عملاً بی فایده است و مشکلات شهری را نیز کاهش نمی دهد. ساماندهی این مناطق و جلوگیری از گسترش آن می توان منجر به کاهش معضلات شهری مانند کمبود آب شود.</p>	<p>درآمد کم روستاها؛ کمبود شغل در روستاها؛ فقر اقتصادی، بلایای طبیعی، سهم خواهی بعضی از سازمان های دولتی؛ سهم خواهی اوقاف در بسیاری از زمین های شهر؛ نبود امکانات فرهنگی در منطقه حاشیه بهسازی و تخریب</p>	<p>۱۰۱۲</p>

<p>سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا در برنامه‌ریزی‌های کشوری، سهم‌خواهی اداره اوقاف کرمان؛ روستا شهرنشینان</p> <p>خیلی از مردم کرمان به دلایل فرهنگی علاقه‌ای به خریداری زمین‌های وقفی ندارند و دنبال زمین‌هایی هستند که وقف نباشند. از طرفی سطح وسیعی از زمین‌های شهر کرمان در اختیار اوقاف است. گاهی ترجیح می‌دهند در حاشیه ساکن شوند؛ ولی ملک وقفی نخرند. در شهر کرمان هر سازمانی یک مدیریتی دارد و هرکدام یک برنامه‌ای را دنبال می‌کند. بهسازی در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت ساماندهی قرار دارد؛ ولی عملاً کارساز نیست به‌عنوان مثال اداره آب و فاضلاب برنامه کاری خود را با شهرداری چک نمی‌کنند در منطقه‌ای شهرداری اسفالت منطقه حاشیه را ترمیم می‌کند که هفته بعد اداره آب منطقه رو به علت زدت لوله فاضلاب از بین می‌برد. توانمندسازی افراد مناطق حاشیه می‌تواند به ساماندهی منطقه حاشیه کمک شایانی نماید.</p>	<p>سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا، هم سهم‌خواهی اداره اوقاف کرمان، روستا شهرنشینان</p> <p>تعارض منافع میان ارگان‌های متولی بهسازی توانمندسازی</p>	<p>۱۰۱۳</p>
<p>فقر، مهاجرت روستاییان به شهر برای کسب درآمد، خشک‌سالی‌های مکرر، وجود دلالاتی که قدرت و وجود قدرتمندانی که دنبال منفعت هستند از دلایل عمده توسعه مناطق حاشیه است.</p> <p>برنامه ساماندهی در هر مرحله از دوره انقلاب به‌صورت خاصی اجرا شده است. در اوایل انقلاب به شکل سیاست‌های حمایتی در قالب تعاونی‌های مسکن</p>	<p>فقر، مهاجرت روستا به شهر برای کسب درآمد، خشک‌سالی‌های مکرر، وجود دلالاتی که قدرت وجود قدرتمندان که دنبال منفعت هستند، هم سهم‌خواهی اداره اوقاف</p>	<p>۱۰۱۴</p>

<p>دنبال شد. بعد از جنگ تحمیلی به منظور بهبود اسکان‌های غیررسمی این سیاست‌ها برای ایجاد شهرهای جدید دنبال شد که هم‌زمان با تأسیس سازمان عمران و بهسازی اجرایی شد؛ بنابراین، بهسازی اولویت ساماندهی حاشیه شهرهاست. طرح‌هایی مانند طرح هادی؛ کمربند سبز اما در حل‌شدن این مشکل فقط بهسازی دخیل نیست آموزش این افراد و مشارکت خودشان در بهسازی منطقه می‌تواند کارساز باشد.</p>	<p>کرمان اجرای طرح‌های هادی، کمربند سبز بهسازی اجرای کمربند سبز، بهسازی توأم با مشارکت</p>	
<p>از مهم‌ترین عواملی که باعث شده شهر کرمان رشد و گسترش بی‌رویه‌ای در حاشیه داشته باشد زمین‌خواری و عدم توجه سازمان‌های دولتی به این مناطق است، تغییر کاربری زمین‌ها توسط افراد بانفوذ (مناطق الله‌آباد، شیشه‌گر، هشت‌بهشت، بلوار سیدی)، نبودن سیاست بلندمدت برای ساماندهی، در حال حاضر هم سهم-خواهی اداره اوقاف کرمان که عدم فرهنگ شهرنشینی نیز به مشکلات این مناطق دامن می‌زند. در شهر کرمان برنامه‌ای بلندمدت برای ساماندهی وجود ندارد و با تغییر مدیران سیاست‌های ساماندهی نیز تغییر می‌کند. از سوی دیگر اقداماتی که انجام می‌شود بیشتر در جهت بهسازی و تخریب است. بهترین راهکار را باید کارشناسان (معماران، عمران، شهرسازان، جامعه‌شناسان) ارائه دهند تا همه ابعاد این موضوع را مدنظر قرار دهند. شاغلان در ارگان‌های تصمیم‌گیرنده گاهی مدارک تحصیلی بی‌ربطی دارند؛ مثلاً خود من مهندس صنایع هستم؛ اما با توجه به اقداماتی که کشورهای دیگر انجام داده‌اند و موفق بوده‌اند کاهش فقر، بهسازی همراه با</p>	<p>زمین‌خواری، تغییر کاربری زمین‌ها توسط افراد بانفوذ، نبودن سیاست بلندمدت برای ساماندهی، هم سهم- خواهی اداره اوقاف کرمان عدم فرهنگ شهرنشینی بهسازی و تخریب بهسازی همراه با توانمندسازی با مشارکت مردمی</p>	<p>۱۰۱۵</p>

<p>توانمندسازی با مشارکت مردمی به نظر کارساز خواهد بود.</p>		
<p>زلزله‌های مکرر در استان‌های هم‌جوار، فقر مردم در شهر و فقر در شهرستان‌های اطراف به دلیل بیکاری و از بین رفتن کشاورزی آن‌ها به دلیل بی‌آبی و خشکسالی، حضور افغان‌ها در شهر کرمان، شکل‌گیری پدیده افغانی‌کشی در استان کرمان که از شهرهای سیستان، آن‌ها را با هزینه‌های بالا به شهر کرمان می‌آورند.</p> <p>دستگاه‌های مختلفی در امر ساماندهی نقش دارند؛ ولی متأسفانه به‌صورت هدفمند و هم‌راستا عمل نمی‌کنند، بلکه به‌صورت جزیره‌ای عمل کرده به نحوی که از هر یک از سازمان‌های دخیل در این رابطه سؤال شود، آمار عملکرد مطلوبی را ارائه می‌دهند این در حالی است که در عمل تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای شاهد نیستیم. افراد شاغل در سمت‌های شهرداری‌ها و ارگان‌های تصمیم‌گیرنده گاهی بی‌ربط است. بنیاد مسکن بسیار توانسته عملکرد مناسبی در مناطق تحت پوشش خود داشته باشد با اجرای طرح‌هایی چون طرح هادی و امین بخشی زمین‌ها در منطقه حاشیه شهر کرمان شده است. اما این اقدامات به‌تنهایی کافی نبوده؛ چون هر سازمانی عملکردی خاص دارد. عملکرد این اداره در زمینه ساماندهی به حاشیه بهسازی است.</p> <p>طرح جامعه‌ای توسط تمامی ارگان‌های متولی انجام شود، بهسازی و توانمندسازی مردم این مناطق می‌تواند</p>	<p>زلزله‌های مکرر در استان‌های هم‌جوار، فقر مردم در شهر و فقر در شهرستان‌های اطراف به دلیل بیکاری و از بین رفتن کشاورزی آن‌ها به دلیل بی‌آبی و خشکسالی، مهاجرت افغان‌ها</p> <p>جزیره‌ای عمل کردن سازمان‌های متولی در امر ساماندهی تحصیلات متولیان بی‌ربط به شهر و مشکلات شهری است</p> <p>بهسازی و توانمندسازی</p> <p>توانمندسازی مردم مناطق حاشیه و مشارکت در امر بهسازی</p>	<p>۱۰۱۶</p>

<p>مشکلات این مناطق را کاهش دهد.</p>		
<p>وسعت شهر کرمان، مهاجرت افراد از روستاها، ارزان بودن اراضی حاشیه؛ تصرف اراضی توسط زمین‌خواران و فروش آن‌ها؛ فقر مردم کرمان از مهم‌ترین عوامل گسترش حاشیه‌ها است. تا زمانی که مشکل فقر مردم کرمان مرتفع نشود نمی‌توان شاهد حل و کاهش حاشیه‌نشینی و حتی جواب‌دهی طرح‌های بهسازی بود. به‌عنوان مثال مسکن مهر اجرا شد؛ ولی اگر نگاه شود در این منطقه بریم خیلی از افراد به دلیل گرانی‌های پیش‌آمده و بالا رفتن اجاره‌بها منازل خود را اجاره داده و به منطقه حاشیه پناه آورده‌اند و باز خود افرادی که در این خانه‌ها ساکن شده‌اند عموماً جوانانی هستند که توانایی مالی دارند. ما حتی مورد داریم که خانه این محل کرایه داده است و صاحب این خانه در یک آلونک در منطقه شیشه‌گر ساکن شده است. این نشان می‌دهد مشکل اقتصادی باید مورد توجه قرار بگیرد. کاهش فقر می‌تواند بخش بزرگی از این آسیب را کاهش دهد. در حال حاضر ما هم تخریب انجام می‌دهیم و هم بهسازی. در هر منطقه‌ای باید متناسب به خودش راهکار ارائه شود به‌خصوص در شهر کرمان چون در محله‌ای مانند شهرک صنعتی و شرف‌آباد کرمان اتباع افغان زیادتر هستند باید ساماندهی در جهت بهسازی و بررسی وضعیت آن‌ها صورت بگیرد، در منطقه شیشه‌گر و الله‌آباد نقش معنادار در این منطقه زیاد هست و به نظر من تخریب و جلوگیری از تصاحب زمین مهم است. در منطقه قشمی‌های بم که</p>	<p>وسعت شهر کرمان؛ مهاجرت افراد از روستاها، ارزان بودن اراضی حاشیه تصرف اراضی توسط زمین‌خواران و فروش فقر، عدم کارشناسی دقیق مسائل تخریب و بهسازی کارشناسی توسط متخصصین و توانمندسازی و بهسازی این مناطق</p>	<p>۱۰۱۷</p>

<p>منطقهٔ پراسیب کرمان هست مسئله و مشکل و راهکار توسط کارشناسان بررسی شود (مثلاً در منطقهٔ سرآسیاب افتتاح پارک توانست خشونت و آمار خشونت کودکان را بسیار پایین بیاورد. در صورت ساماندهی این منطق خیلی از آسیب‌هایی که حتی بیان کردنش هم احساسات افراد را جریحه‌دار می‌کند از بین خواهد رفت.</p>		
<p>حضور اتباع بیگانه؛ فقر؛ بلایای طبیعی مانند خشکسالی، زلزله)، سهم‌خواهی بعضی از ارگان‌های دولتی و تصاحب زمین‌ها، خریداری زمین‌های ارزان توسط افراد بانفوذ و تغییر کاربری آن‌ها؛ دلالت زمین از دلایل عمدهٔ گسترش بی‌رویهٔ شهر است. مسئولان نهادهای متولی با انجام مساعدت‌های غیرکارشناسانه در حق زمین‌خواران و توسعهٔ حاشیهٔ شهر کمک کرده‌اند. باید محدودهٔ شهر کرمان مشخص شود و قوانین محکمی وضع شود. در مورد ساماندهی عملکرد تخریب و بهسازی صورت گرفته معمولاً اقدامات بهسازی کوتاه‌مدت و موردی بوده، تخریب‌ها هم عموماً در مناطق زاغه‌نشین بوده‌اند. اگر ساماندهی انجام نشود؛ چون در کرمان اتباع خارجی زیاد هستند تا سال آینده یکی از معضلات و آسیب‌های جدی این شهر خواهد بود. ساماندهی این مناطق می‌تواند شاهد کاهش خشونت، قتل، قاچاق مواد مخدر در این مناطق بود.</p>	<p>اتباع بیگانه؛ فقر؛ بلایای طبیعی مانند خشکسالی، زلزله)، سهم‌خواهی بعضی از ارگان‌های دولتی و تصاحب زمین‌ها، خریداری زمین‌های ارزان توسط افراد بانفوذ و تغییر کاربری آن‌ها؛ دلالت زمین مساعدت‌های غیرکارشناسانه تخریب و بهسازی قانون‌گذاری دقیق، توانمندسازی افراد، مشخص شدن محدودهٔ شهر</p>	<p>۱۰۱۸</p>

شکل شماره (۱): مدل پارادیمی ساماندهی حاشیه شهر کرمان





## نتیجه‌گیری

جهان در حال تبدیل شدن به دنیایی از شهرهای بزرگ است. تمدن شهری در آغاز قرن بیست و یکم با شتاب به سمت نوعی تمدن شهری پیش می‌رود که بارزترین نمود آن شهری شدن جهان و جهانی‌شدن شهرهاست (پارکر، ۱۳۹۷: ۳۶). یکی از چالش‌های گسترش شهرنشینی در جهان، رشد سریع شهرنشینی و کلان‌شهرها در جهان سوم است. در حال حاضر سه‌چهارم از رشد جمعیت جهان در مناطق شهری واقع در کشورهای در حال توسعه جریان دارد که منجر به رشد بی‌رویه در شهرهایی گردیده که کمترین مواجهه با این رشد را دارند. این توسعه نامتوازن شهری در کشورهای در حال توسعه با عوارضی مانند بی‌نظمی فضایی، گسترش فقر و نابرابری، فرسایش و آلودگی محیط‌زیست و ناامنی اجتماعی همراه است. سیاست‌های ناکارآمد در عرصه برنامه‌ریزی مسکن و بازتاب‌های بحران اقتصاد جهانی به تدریج باعث شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ای با عنوان شهری شدن فقر یا فقر شهری شده است. از آنجایی که تمام پدیده‌های شهری یا منطقه‌ای در تعامل هستند؛ بنابراین، بازتاب گسترش فقر شهری را می‌توان از یک سو در گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و در چارچوب کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری، اجتماعی، کیفیت سکونت و از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن و انزوای اجتماعی پاره‌ای از گروه‌ها مشاهده کرد. اسکان غیررسمی، امروزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات شهرهای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، منجر به بحث‌های محافل حرفه‌ای و واکنش مجامع بین‌المللی شده است. گوناگونی علل پیدایش و تفاوت‌های ساختاری چنین بافت‌هایی در مناطق مختلف سبب شده تعاریف متفاوتی نیز از این پدیده صورت پذیرد، این تعدد تعاریف به‌نوبه خود منجر شده که نام‌های گوناگونی به این بافت‌ها اطلاق شود. در کشور ما، سکونتگاه‌هایی که به لحاظ کیفیت ساخت پایین‌تر از حد استاندارد هستند و از اصول و قواعد شهرسازی تبعیت نمی‌کنند، بانام‌های گوناگونی نظیر حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های بی‌ضابطه و غیرقانونی، آلونک‌نشینی، بافت‌های خودرو و اسکان غیررسمی شناخته می‌شوند. جهت تبیین یافته‌های تحقیق باید بیان کرد که یافته‌ها تأییدی بر اندیشه

۳ جامعه‌شناس زیمل، انگلس، هاروی و ولوفور است این ۳ اندیشمند بستر علی و زمینه علی را تبیین می‌کنند.

زیمل معتقد است در یک نظام ساختی با بافت مدرن شهری و حاکمیت مناسبات اجتماعی مابعد سنتی \_ صنعتی جامعه‌ای نظام مبادلات اقتصادی بر مبنی اعتماد خویشاوندی جای خود را به اعتماد ساختی نظام‌مند و بر مبنی پول قراردادی می‌دهد (ریترز، ۱۴۰۰:۱۴۷). قواعد و مقررات ساخت‌یافته توزیع پول و در درازمدت بستر فاصله زمانی \_ مکانی و ساختاری افراد جامعه از لحاظ بهره‌وری از منابع نظام نشان می‌دهد؛ زیمل معتقد است به وجود آمدن مبادلات اقتصادی جامعه نوین و اهمیت یافتن پول منجر شده که قشری که دستیابی به درآمد کم دارند به حاشیه رانده شوند. در میان عوامل زمینه‌ای شهر کرمان پرتکرارترین عامل در باب حاشیه شهر کرمان مشکلات اقتصادی و مالی مطرح شد.

انگلس<sup>۱</sup> شهر اعیان‌نشین و قطبی شده را مطرح می‌کند (ریترز، ۱۴۰۰:۱۲۰). این اندیشه نیز شرایط حاشیه‌نشینی در کرمان را به‌خوبی تبیین می‌کند. مناطقی که تخریب صورت می‌گیرد یا به تملک ادارات درمی‌آید یا افراد بانفوذ دستی بران خواهند داشت. شکل‌گیری منطقه شهر بهشت و هوانیروز کرمان نمونه بارز آن است. چنانچه هم در زمینه‌های علی و هم مداخله‌ای این امر در جلوگیری از ساماندهی نقش داشت و نفوذ افراد سرشناس به چشم می‌خورد همچنین اندیشه هاروی و ولوفور<sup>۲</sup> بحث «مدار دوم سرمایه» می‌نامند را مطرح می‌کنند که مناطق بی‌ارزش توسط افراد خریده می‌شوند تا در دوره‌هایی که ارزش زمین در حال توسعه نوسان است از آن بهره‌برداری شود. این پدیده را در مناطق حاشیه کرمان به‌خوبی می‌توان دید بخشی از این افراد در مناطق حاشیه توسط افراد و دلالتان گماشته می‌شوند تا تصرف زمین انجام شود و بعد از زمانی که زمین دارای ارزشی شد آن را تصاحب کرده و به‌مرور زمان تبدیل به مناطق حاشیه‌نشین می‌شود. اسمیت نام دیگری بر این پدیده می‌گذارد. از نظر اسمیت در شکل‌گیری مناطق حاشیه

<sup>1</sup> Engelz

<sup>2</sup> Harvey and Lefebvre

عامل دیگری نقش دارد که تحت عنوان «شکاف اجاره‌ای» نام می‌برد که به معنی بی‌ارزش شدن سرمایه و خروج سرمایه از مناطق مرکزی می‌شود و فرصت برای فضاهای خارج از شهر و حاشیه را فراهم می‌نماید. در نتیجه توسعه و بهسازی این مناطق زاغه‌نشین و فقیر به تجارتي سودآور برای سرمایه‌گذاران تبدیل می‌شود در شهر کرمان در مناطق حاشیه‌ای مانند هشت‌بهشت به‌خوبی شاهد آن هستیم که به حدی در این مناطق، زمین رشد سرمایه داشته که مناطق مرکزی نداشته‌اند. در تبیین ساختار حاکم بر ساماندهی نظریات نیازهای اساسی، رادیکال و لیبرالی و نگرش سیستمی که راهکارهای متفاوتی را ارائه می‌دهند؛ اما این تبیین فقط در نوع عملکرد به شیوه تخریب انجام شده است؛ یعنی در عمل نشان‌دهنده عملکرد توانمندسازی و اقتدار بخشی که راهکار بهسازی را ارائه می‌دهند نیست. چنانچه که تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که اقدامات بهسازی شامل تأمین فاضلاب یا آب شرب است یا حتی رنگ‌آمیزی جداول که این اقدامات هیچ‌کدام شامل بهسازی از منظر اجتماعی نیست. با توجه به نتایج تحقیق این راهکارها پیشنهاد می‌شود.

جهت ساماندهی حاشیه شهر کرمان باید به بهسازی و توانمندسازی این مناطق همراه با مشارکت افراد تکیه کرد. همچنین آموزش افراد ساکن حاشیه، بسیج همگانی و مشارکت همگانی، ایجاد اشتغال‌زایی و کاهش فقر؛ ارائه راهکار توسط کارشناسان، یکسان بودن طرح‌های پیشنهادی، از بین رفتن تعارض منافع ارگان‌ها؛ اجرای طرح کمربند سبز کرمان، توسعه روستاهای اطراف کرمان می‌توانند راهکارهای مناسبی برای سامان دادن به این شرایط باشند.

## منابع

- امیری، سید رضا؛ خدائی، زهرا. (۱۳۹۰). حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی: چالش‌ها و پیامدها، تهران، انتشارات ققنوس
- بلخی، محمدجواد. (۱۳۹۳). امکان‌سنجی به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی و بهسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه مطالعاتی: محله چمن کرمانشاه)؛ مجله: مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۸، ۱۷ - ۲۸

- بهزادفر، مصطفی؛ نقره‌کار، عبدالحمید؛ صالحی، سید کمیل. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد دارایی مبنا در کلان‌شهر تهران - نمونه موردی: محله میان‌آباد اسلام‌شهر؛ مجله جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، شماره ۵۷، ۹۶ - ۱۱۴
- پارکر، سمون. (۱۳۹۷). نظریه شهری و تجربه شهری، ترجمه حمیدرضا تلخابی، فرخ مهرآبی، انتشارات تپسا
- توکلی‌نیا، جمیله؛ شالی، محمد. (۱۳۹۴). امکان‌سنجی راهبرد توسعه شهر در توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه یک کلان‌شهر تبریز؛ مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۳۶، ۱۱۷ - ۱۳۸
- رحیمی، کاظم؛ رضاپورسردره، مجتبی؛ موزن‌نسب، اسحاق؛ بدیعی، حسین. (۱۳۹۹). آسیب اجتماعی بافت‌های فرسوده، حاشیه‌نشینی؛ مجله پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی سال سوم - شماره ۲۸، ۱۶۱ - ۱۷۰.
- زاهد زاهدانی. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی در ایران، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- ریتزر، جورج. (۱۴۰۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی
- زنگانه، احمد؛ سلیمانی، محمد؛ کمانرودی، موسی؛ مزرعاوی، عماد. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان شهر مدرن؛ تولد کالبد شهر مدرن و بازنمایی زاغه‌نشینی؛ مجله توسعه فضاهای پیراشهری؛ شماره ۵.
- سیدحسین زاده یزدی، سعید؛ یعقوبی، علی. (۱۳۹۹). بررسی علل و پیامدهای حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور (بررسی موردی: حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر مشهد؛ مجله راهبرد توسعه شماره ۶۴، از ۳۲ - ۶۶.
- عباس‌پور، ابراهیم؛ سیدرضا صالحی امیری، زهرا خدائی. (۱۳۹۹). حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (چالش‌ها و پیامدها)؛ مجله علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۳۳، ۱۶۴ - ۱۶۸.
- فیالکوف، یانکل. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی شهر، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات آگه.

- لحمیان، رضا؛ نبی‌زاده، زهرا. (۱۳۹۸). نقش توسعه نامتوازن فضایی - کالبدی بر ناپایداری شهری (مورد مطالعه: شهر سرخرود؛ مجله: برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، شماره ۱۶، ۱۲۱ - ۱۳۲).
- معدنی، سعید؛ محمدپناه، امیرحسین. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سنندج؛ مجله جامعه‌شناسی، شماره ۱۴، ۱۵۱ - ۱۷۰.
- نقدی، اسدالله؛ نویسنده: خانیان، مجتبی؛ رویین‌تن، محبوبه؛ حقیریان، شیدا؛ شاهرخ، عماد. (۱۴۰۰). مطالعه گونه‌شناسی، چالش‌های حاشیه‌نشینی و بازی‌های حاشیه‌نشینی با سیاست‌های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه)؛ مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دهم - شماره، ۲۴۹-۲۷۵.
- وصالی، سعید؛ قاسمی‌نژاد، ابوزر. (۱۳۹۸). مطالعه داده‌بنیاد حاشیه‌نشینی و توسعه اجتماعی (شناسایی شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای تحقق‌نیافتگی توسعه اجتماعی در بین حاشیه‌نشینیان پاکدشت)؛ مجله: توسعه اجتماعی دوره چهاردهم - شماره ۲، ۹۳ - ۱۲۶.
- Brown, J. A., Forster, W. R., & Wicks, A. C (2023) The fork in the road for social enterprises: Leveraging moral imagination for long-term stakeholder support. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 47(1): 91–112.
- Chowdhury ‘Rashedur. Sarasvathy Saras D. Freeman, Edward (2023) Toward a Theory of Marginalized Stakeholder-Centric Entrepreneurship Business Ethics Quarterly, First View, pp. 1 – 34. DOI: <https://doi.org/10.1017/beq.2023.29>.
- Dov, Friedlander؛ Barbara S. Okun (2022) Demographic Transition and the Industrial Revolution in England: Inverse Rural and Urban Processes,
- Malik, S, Roosli, R, & Tariq, F. (2020) Investigation of informal housing challenges and issues: experiences from slum and squatter of Lahore. *Journal of Housing and the Built Environment*; Dordrecht Vol. 35, Iss. 1,
- Martín Alvarez & Javier Ruiz-Tagle (2022) the symbolic (re)production of marginality: Social construction, internalization, and concrete consequences of territorial stigmatization in a poor neighborhood of Santiago de Chile ‘Published online: 29 Jul

- 
- Pottinger, C.Pfeffer, c (2021) A City for Whom? Marginalization and the Production of Space in Contemporary Bangalore, India, Handbook of Quality of Life and Sustainability pp 295-315
  - Qianli Zhou, Ye Cui, Zhen Li & Yong Deng (2023) Marginalization in random permutation set theory: from the cooperative game perspective, Nonlinear Dynamics volume 111, pages 13125–13141.
  - Sjöberg, S, Kings, L, (2021) Suburban commons: the rise of suburban social movements and new urban commons in marginalized neighbourhoods in Stockholm, Nordic Social Work Research, vol35, 1-14
  - Tamvada, J. P., & Chowdhury, R. 2022. The irrationality of rationality in market economics: A paradox of incentives perspective. Business and Society. DOI: 10.1177/00076503221101888

---

#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

